راهنمای تقریرات حلقه ثالثه :

این تقریرات از روی صوت حلقه ثالثه استاد محمدحسین ملک زاده تقریر شده­اند؛ در متن تقریر پیش رو شماره­هایی می­بینید که متشکل از شماره نکته­ی تقریر شده و شماره­ صفحه­ی مد نظر است ( مثلا 5/150 تقریر 5 در صفحه 150 ) این شماره را از فایل جانبی در پوشه اصلی همین تقریرات بنام " متن عربی حلقه ثالثه برای تطبیق متن تقریرات با متن اصلی " میتوانید ببنید تا متوجه بشوید که هر تقریر ذیل چه متنی گفته شده است. در ضمن در خود تقریرات، متن عربی حلقه ثالثه ، که تقریر ذیل آن انجام شده برای استفاده سریعتر آورده شده است. خوشحال میشویم هرگونه اصلاح متنی که انجام دادید یا نظرات خود را برای ما بفرستید. جهت ارتباط با ما : 09363211730 ، پیامرسان­های ایتا و بله؛

\*- صوت 131 اجتماع الوجوب الغیری مع الحرمه النفسیه

\*- 2/293 اجتماع الوجوب الغیری مع الحرمه النفسیّه: وقتی یک در زمین غصبی و میخواهد برگردد باید با قدم زدن برگردد و شما گفتید این باز قدم زدن در زمین مغصوب است. از اون طرف میگویید که بیرون رفتن از زمین غصبی واجب است و این باید قدم بزند که بتواند از زمین غصبی بیرون برود. پس قدم زدن مقدمه واجب میشود.! پس اینجا هم قدم زدن حرام است و هم واجب. پس اجتماع امر و نهی است.

سه دیدگاه در اینجا وجود دارد :

دیدگاه الف : اصلا این قدم زدن برای خروج مقدمه واجب نیست و کماکان حرام است و اصلا موضوع اجتماع امر و نهی نیست.

دیدگاه ب : این قدم زدن برای خروج هم حرام است ولی تخصیص اومده و این قدم زدن برای خروج را از حرام بودن خارج کرده ست.

دیدگاه ج : بگوییم این قاعده وجوب المقدمه استثناء برداشته است. سئوال : مگر این قاعده میتواند اشتثناء بردارد؟ میگوییم بله چون ما در جای خودش میدانیم که مدرک نهایی وجدان انسان است همون وجدان در یک همچنین جایی درک میکند که اینجا استثناء شده است.

\*- 7/293 أمّا الوجه الأول فحاصله: بررسی دیدگاه الف : مگر ما یک قاعده ای نداریم که فعل احد الضدین لیس مقدمه لترک الضدین. مثلا الان مسجد نجس شده و یک ازاله نجاست گردن ماست و یک نمازی هم روی گردن ماست. تا زمانی که ازاله مسجد باشد نمیتوانیم نماز بخونیم. و اگر مشغول به ازاله شویم دیگر نماز نمیتوانیم بخوانیم. یعنی اگر ازاله را ترک کنیم میتوانیم نماز بخوانیم. آقایان در اصول گفتند نمیشود فعل یکی از دو ضد مقدمه دیگری باشد. زیرا دور لازم می آید. در حلقه ثانیه خواندیم و بعدا در حلقه ثالثه باز میرسیم.

شما ببنید ما اینجا دو حالت داریم یا این شخص باید از این زمین خارج بشود یا باید بماند. خود خارج شدن میخواهد مقدمه تخلص از غصب باشد. خروج و بقاء اینها با همدیگر ضد هستند چه چیزی الان بر این واجب است ترک البقاء؛ بقاء در این زمین را ترک کنی. وظیفه شرعی ترک البقاء است. پس خروج شد مقدمه ترک البقاء. یعنی فعل احد الضدین شد مقدمه ترک ضد دیگر. و این نمیشود.

\*- 8/293 وهذا الوجه - حتّی إذا تمّ - لا یحلّ المشکله علی العموم: شهید صدر میفرماید اولا این را قبول نداریم و بعدا بررسی میشود. ولی شهید میگوید این حرف شما تمام باشد. این بنحو کبرای کلی مشکل را حل نمیکند و فقط همین مورد را میتواند حل کند. چون این یک مسثالی بوده که طرفین ضدین بودن و یکی شده مقدمه ترک ضد دیگری و ما مثالهایی میتوانیم بیاریم که ضدین نباشند و یکی از دو امر مقدمه ترک ضد دیگری نمیشود و محال نمیشود. مثلا شخصی به سوء اختیار کاری میکند که مریض میشود. حالا که به بیماری انداخته این ناچار میشود برای علاج این بیماری مهلک یک ماده حرامی را بخورد مثلا شرب الخمر کند. در یک همچین جایی که اینها ضدین نیستند یعنی مقدمیت شرب الخمر نسبت به حفظ جان، تضاد میان اینها مطرح نیست. چه تضادی میان این دو وجوب دارد از قضاء اینها متلازم هستند. لذا اینجا رابطه تضاد نیست و شما مثالی زدید که تضاد داشتند.

\*- 1/294 وأمّا الوجه الثانی فلا یمکن الأخذ: این میگوید دلیل حرمت غصب اصلا شامل یک همچنین حصه نیست. دلیل این حرفش چیست ؟ میگوید دلیل ندارد ولی چاره­ای نداریم. خب بالاخره اونچه ما فقهاً به آن میرسیم این است و در اصول میخواهیم یک تحلیل مقبول پیدا کنیم. یعنی بر اساس نظام کلی شریعت به این رسیدیم باید از زمین مردم خارج شد ولی در تحلیل گاهی می­مانیم. یعنی بالاخره باید از زمین بیرون بیاید. چون نمیتوانیم تحلیل کنیم میگوییم بالاخره میگوییم از اول حرمت شامل این نبوده است. یعنی تا زمانی که نتوانیم تحلیل کنیم مجبور شدیم اینجوری بگوییم. یعنی تا میشود باید توجیه فنّی کنیم ولی اگر نتوانستیم توجیه فنّی کنیم میگوییم از اول حرمت نداشته است چون میدانیم حتما باید از زمین خارج بشود. چون اگر تحت عنوان نهی قرار بگیرد با مشکل برمیخوریم. پس شاید اصلا تحت عنوان نهی نبوده است.

\*- 2/294 وأمّا الوجه الثالث فهو المتعیّن: شهید این وجه ثالث را می پذیرد. اینکه قائل به استثناء بشویم یعنی انخرام. این را از طریق وجدان فهمیده ایم.

شهید صدر سه حالت را برای مثال ذکر میکنند :

حالت و مثال اول : فرض کنید که مقدمه تقسیم میشود به افرادی که برخی از افراد مباح است و برخی حرام است. مثلا مولا میگوید عبد برو غذا بیار. حالا یا عبد میرود از سر یخچال خودشون می آورد و یا عبد برود دزدی کند. هر دو مقدمه اطاعت امر مولا است و یکی مباح است و یکی حرام است. در این حالت اگر ما قائل ملازمه میان وجوب ذی المقدمه و مقدمه شدیم و گفتیم مقدمه به وجوب غیری لازم است، طبیعی است که اون وجوب نمی­رود سراغ کار حرام. اگر عبد رفت دزدی کرد، گردن خودش است.

حالت دیگر این است که اگر این مقدمه دارای افرادی هم بر فرض بوده است الان فقط و فقط منحصر در یک فرد است. و این کار را هم مکلف نکرده است. مثلا شخصی در آبی دارد غرق میشود و شما مجبورید برای انقاذ او باید وارد زمین غصبی بشوید. این مقدمه رفتن به سمت غریق حرام است ولی تقصیر شما نیست و شما گناهی نکردید. اینجا ما به ملاکات نگاه میکنیم و بحث تزاحم. اگر اون ذی المقدمه اهم باشد مقدمه اهم میشود.

حالت سوم جایی است که این عمل دارای فردین مباح و حرام است. الّا اینکه خود این مکلف بسوء الاختیار کاری کرده است که فرد مباح از بین برود. مثلا شخصی بالای برجی است و مولا میگوید بیا تو خیابان کار باهات دارم. و خود این عبد برود راه پله را خراب کند و بگوید مولا راه پله خراب است. خب این تقصیر خودش است.

شهید صدر از این سه حالت، حالت سوم محل بحث ماست.

\*- 4/294 وفی هذه الحاله یدرک العقل: در این حالت عقل میگوید این اضطرار مصحح و مبرّر ، توجه وجوب غیری به آن فرد محرم است زیرا این بسوء الاختیار بوده است. عقل میگوید اون فرد محرم واجب نمیگردد و محرم باقی میماند. مشکل این بود که این باید از این زمین خارج شود و خروج این از زمین میشود مقدمه واجب و واجب است و از اونطرف چون تصرف مال غیر است حرام است و شد اجتماع امر و نهی شد. شهید میگوید نه احتماع نیست چون حتی در حالت خروج حرام است. و اصلا اجتماعی نیست.

شاید بپرسید خب اگر بایستد حرام است و اگر بخواهد خارج بشود هم حرام است. پس در هر حالت کار حرام است، چکار باید کند؟

شهید میگوید اینجا انتخاب بین خوب و بد نیست بلکه انتخاب میان بد و بدتر است. اگر بمانی 100 چوب داری. و اگر به قصد خروج از زمین ترک کنی 50 چوب داری. زیرا با هر قدمی که خارج میشود به این نزدیک تری که دیگر گناه ادامه دار نباشد.